

ارتباط ایمان به حضور خداوند در زندگی زناشویی و رضایت‌مندی زوجین: بررسی نقش میانجی شیوه‌های مقابله مذهبی

The Relationship between Belief in Manifestation of God in Marital Life and Marital Satisfaction: Investigate the Role of Religious Coping as a Mediator

Yasser Rezapour Mirsaleh

یاسر رضاپور میر صالح*

چکیده

Abstract

The most of studies investigating the relationship between religiosity and marital satisfaction, carried out by using common religious beliefs questionnaire and not specially investigate religious beliefs about marital life. For this, the present study carried out for investigate the role of religious coping as a mediator in relationship between belief in manifestation of god in marital life and marital satisfaction. This study was a correlational research carried out in 223 students (and their spouses) of universities of the army of the guardians of the Islamic revolution. Data were gathered by religion in marital relationship scale (Rezapour & et al, 2013), religious coping (Pargament & et al, 2000) and index of marital satisfaction (Hudson, 1992) and then were analyzed by correlational and regression analysis and structural equation modeling. The results showed that marital satisfaction positively and significantly correlated with all dimensions of manifestation of God in marital life and positive religious coping. There was a negative correlation between marital satisfaction and negative religious coping ($p < .5$). Belief in manifestation of God in marital life and religious coping significantly predict marital satisfaction and religious coping had a significant role in mediating the relationship between manifestation of God in marital life and marital satisfaction. Based on these Findings can conclude that belief in manifestation of God in marital life and a religious attitude to marriage can increase marital satisfaction by influenced in religious coping.

Keywords: Belief in Manifestation of God, Marital Life, Religious Coping

مطالعات انجام شده در خصوص ارتباط مذهب و رضایت زناشویی، به طور عمده با استفاده از پرسشنامه‌های سنجش باورهای عمومی دینی انجام شده‌اند و مطالعات محدودی به طور خاص به بررسی باورهای مذهبی زوجین در رابطه زناشویی پرداخته‌اند. به همین منظور، مطالعه حاضر با هدف بررسی نقش میانجی شیوه‌های مقابله مذهبی در ارتباط بین ایمان به حضور خداوند در زندگی زناشویی و رضایت‌مندی زناشویی زوجین انجام شد. این پژوهش از نوع مطالعات همبستگی بود. ۲۲۳ نفر از دانشجویان متأهل دو دانشگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همسران آن‌ها برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از مقیاس ایمان در رابطه زناشویی رضاپور و همکاران (۱۳۹۲)، مقابله مذهبی پارگمنت و همکاران (۲۰۰۰) و شاخص رضایت زناشویی هادسون (۱۹۹۲) جمع‌آوری و با استفاده از آزمون‌های همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و تحلیل معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که رضایت زناشویی با تمامی ابعاد ایمان به حضور خداوند در رابطه زناشویی و شیوه مقابله مذهبی مثبت همبستگی معنی‌دار مثبت داشت. بین شیوه مقابله مذهبی منفی با رضایت زناشویی نیز همبستگی منفی معنی‌دار وجود داشت ($p < .05$). ایمان به حضور خداوند در رابطه زناشویی و مقابله مذهبی قادر به پیش‌بینی معنی‌دار رضایت زناشویی افراد بود و همچنین مقابله مذهبی در ارتباط بین ایمان به حضور خداوند در رابطه زناشویی و رضایت زناشویی نقش میانجی معنی‌داری ایفا می‌کرد. با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که ایمان به حضور خداوند در زندگی زناشویی و داشتن یک نگرش مذهبی به ازدواج می‌تواند با تأثیرگذاری بر شیوه‌های مقابله مذهبی، باعث افزایش رضایت زناشویی افراد شود.

واژه‌های کلیدی: ایمان به حضور خداوند، زندگی زناشویی، مقابله مذهبی

email: y.rezapour@ardakan.ac.ir

* عضو هیات علمی دانشگاه اردکان

Received : 4 Jul 2013 Accepted: 10 Jun 2014

پذیرش: ۹۳/۳/۲۰

دریافت: ۹۲/۴/۱۳

مقدمه

جامعه‌شناسان پیشینه پژوهشی زیادی در مورد این که چگونه تمایلات مذهبی مستقیماً بر فعالیت‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد، در اختیار دارند (الیسون و مک فارلند، ۲۰۱۳؛ الیسون و همکاران، ۲۰۱۳). از قرن نوزدهم، نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی و بیش از همه دورکیم^۱، روشی را که در آن عقاید تحت تأثیر نیروهای اجتماعی حمایت می‌شوند، را مورد بررسی قرار داده‌اند (ترنر، ۲۰۱۴). به تازگی محققان، ظرفیت مذهب به عنوان یک نیروی جمعی اجتماعی در جامعه امروز را زیر سؤال برده‌اند و تأکید می‌کنند که مدرنیته شدن، قدرت مؤسسات مذهبی را که روزی کنترل اجتماعی را در دست داشته‌اند، از بین برده است (اسمیت و همکاران، ۲۰۱۴). با این وجود، برخی دیگر از محققان معتقدند نه تنها نقش مذهب در زندگی افراد در سال‌های اخیر کم‌رنگ نشده است، بلکه هنوز هم بسیاری از افراد در زندگی‌شان تحت-تأثیر عقاید مذهبی‌شان قرار دارند (دولاهیت، هاوکینز و پار، ۲۰۱۲). این رویه در نقش مذهب بر زندگی زناشویی نیز وجود دارد و هنوز محور عملکرد در زندگی زناشویی بسیاری از زوجین، باورها و دیدگاه‌های مذهبی است. برای مثال، دولاهیت و همکارانش (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای کیفی به بررسی معنای زندگی در ۵۷ زوج مسیحی، یهودی و مسلمان پرداختند. نتایج تحلیل‌های کیفی آنها نشان داد که موضوع عمده (خارج از سنت‌های دینی) در تمام زوجین فارغ از نوع مذهب این بود که ازدواج یک واحد مقدسی است که «چیزی بیشتر» دارد: چیزی بیشتر از خود، چیزی بیشتر از زوجین و چیزی بیشتر از واحد خانواده. برای این زوجین ازدواج نهاد مقدسی بود که توسط خداوند بنا نهاده شده و خداوند همواره ناظر بر رابطه زناشویی و نگهدارنده آن است. این یافته‌ها یک نقطه مقابل برای مباحث پژوهش‌های کنونی درباره غیررسمی شدن^۲ ازدواج (برای مثال زندگی‌های هم‌خانه‌ای^۳) و فردگرایی^۴ در ازدواج‌های کنونی محسوب می‌شود. شکل‌های رسمی ازدواج ممکن است قدرت خود را در جامعه کنونی برای بسیاری از زوجین مذهبی حفظ کرده باشند و شاید بسیاری از زوجین دیگر نیز معتقد باشند که ازدواج چیزی بیش از یک رابطه غیررسمی و خصوصی است که بیشتر محققان امروزه به آن می‌نگرند (دولاهیت و همکاران، ۲۰۱۲). با این وجود، اکثر مطالعات انجام شده در ارتباط بین مذهب و رضایت زناشویی، عمدتاً با استفاده از پرسشنامه‌های سنجش باورهای دینی انجام شده‌اند و مطالعات محدودی به طور خاص به بررسی باورهای مذهبی زوجین در رابطه زناشویی پرداخته و دریافته‌اند که چگونه باورهای دینی، نگرش زوجین به رابطه زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ماهونی و همکاران، ۲۰۰۸). علاوه بر این، اکثر مطالعاتی

1. Durkheim

2. deinstitutionalization

3. cohabitation

4. individualism

که با استفاده از پرسشنامه سنجش باورهای دینی افراد انجام شده، نمی‌توانند به نتایج درستی درباره ارتباط بین باورهای مذهبی و رضایت زناشویی دست یابند، زیرا ممکن است یک فرد علی‌رغم داشتن باورهای مذهبی قوی، آن‌ها را در ارتباط زناشویی خود وارد نکند (ماهونی، ۲۰۱۰)، بنابراین، ارزیابی نقش باورهای دینی در نگرش به زندگی زناشویی زوجین، در مطالعاتی که به بررسی نقش باورهای دینی در رضایت زناشویی می‌پردازند، اهمیت زیادی دارد. عمده تأثیری که باورهای مذهبی می‌تواند در نگرش افراد به زندگی زناشویی داشته باشد، اعتقاد زوجین به حضور خداوند در زندگی زناشویی است. ماهونی و همکارانش (۱۹۹۹) با طراحی مقدماتی پرسشنامه‌های تقدس در رابطه زناشویی^۱ و حضور خداوند در رابطه زناشویی^۲، نقش باورهای مذهبی در نگرش به زندگی زناشویی را به طور خاص مورد مطالعه قرار دادند. بررسی‌های کیفی و کمی آن‌ها نشان داد که این دو سازه با رضایت زناشویی بیشتر، درک سود بیشتر از ازدواج، تعارض و پرخاشگری کمتر و همکاری^۳ کلامی بیشتر ارتباط دارد. کیفیت تقدس ادراک شده به چگونگی نگاه ارزشی افراد به ازدواج‌شان اشاره داشت. زوجین از واژه‌هایی همچون برکت، مقدس^۴، بهشتی، مذهبی یا معنوی برای توصیف این کیفیت‌ها استفاده می‌کردند. حضور خداوند نیز به ادراک زوجین از مشارکت خدا در شکل‌گیری رابطه‌شان و کمک به حفظ آن اشاره داشت (ماهونی و همکاران، ۱۹۹۹). به نظر می‌رسد مشارکت خداوند در ازدواج، معنایی برای تعهد زناشویی زوجین باشد. تعهد به ازدواج هدفی مقدس برای برخی از زوجین مذهبی است و این دسته از زوجین معتقدند که آن‌ها نه تنها در قبال همسر خود باید متعهد باشند، بلکه در قبال خداوند نیز برای حفظ رابطه خود بایستی تعهد داشته باشند. بنابراین، مذهب دیدگاهی به زوجین می‌دهد که به آنها کمک می‌کند تا در مشکلات به یکدیگر متعهد بمانند (ماهونی، ۲۰۰۵). برای مثال، برخی از زوجین شرکت‌کننده در مطالعه لامبرت و دولاهیت (۲۰۰۸) معتقد بودند که هر ازدواج طولانی مدتی، زمان‌های سختی را نیز تجربه کرده است و برخی از زوجین به دلیل باورهای مذهبی در زیر فشار چنین سختی‌هایی متوقف نمی‌شوند. زوجین شرکت‌کننده در مطالعه آنها به شیوه‌ای اشاره می‌کردند که به وسیله آن خداوند به آنها دیدگاهی در زندگی زناشویی می‌دهد که از آن در زمان بروز مشکلات استفاده می‌کنند (لامبرت و دولاهیت، ۲۰۰۸). ورود عقاید مذهبی به رابطه زناشویی باعث می‌شود زوجین مذهبی در ازدواج خود احساس معنا کنند، از باورهای مذهبی برای معنی بخشیدن به رابطه زناشویی خود استفاده کنند و ازدواج خود را چیزی فراتر از ارتباط صرف بین زن و شوهر ببینند (دولاهیت و همکاران، ۲۰۱۲). وقتی زوجین بتوانند تأثیر و حضور

1. sanctification of marriage questionnaire

2. manifestation of god

3. collaboration

4. blessed, holy

خداوند را در زندگی زناشویی‌شان احساس کنند و در هنگام بروز مشکلات و موانع حضور و کمک خداوند را در کنار خود احساس کنند، طبعاً راحت‌تر با مشکلات زناشویی کنار آمده و احساس رضایت زناشویی می‌کنند، که شاید بتوان نام آن را رضایت زناشویی مذهبی گذاشت (گودمن و دولاهیت، ۲۰۰۶). برای درک بهتر این موضوع، مثال‌هایی از مصادیق نگاه رحمانی و الهی در زندگی زناشویی در بین زوجین باورمند (ایمان به خدا) و مصادیق نگاه مادی در بین زوجین غیرباورمند که از مطالعه رضایور میرصالح (۱۳۹۲) و دولاهیت و همکاران (۲۰۱۲) برداشت شده‌اند، در قالب جدول ۱ زیر به صورت مقایسه‌ای نشان داده شده است.

جدول ۱. مثال‌هایی از نگرش مذهبی و مادی به زندگی زناشویی

نگاه رحمانی و الهی در زندگی زناشویی	نگاه مادی در زندگی زناشویی
ازدواج پیوندی است که خداوند برای آرامش زن و شوهر و رسیدن به کمال بنا نهاده است و به صورت رسمی و قانونی با رعایت حدود شرعی بین زن و شوهر برقرار می‌شود.	ازدواج پیوندی است که افراد برای رسیدن به اهداف مشترک آن را برقرار می‌کنند و در صورت رضایت دو طرف، زندگی مشترک می‌تواند به صورت هم‌خانه‌ای و بدون ازدواج ادامه یابد.
طلاق به عنوان آخرین گزینه در ازدواج مطرح می‌شود.	در صورت به نتیجه نرسیدن رابطه مشترک و عدم دستیابی به اهداف مشترک، طلاق به عنوان یک راه‌حل مطرح می‌شود.
پیوند زناشویی دارای قوانین مشترک و اصولی است که توسط خداوند بنا نهاده شده و رعایت آن‌ها از سوی زوجین الزامی است.	قوانین و اصول رابطه مشترک به وسیله زوجین تعیین می‌شوند و هر قاعده‌ای که زوجین بر آن توافق داشته باشند، می‌تواند در زندگی مشترک وجود داشته باشد.
در رابطه زناشویی که توسط خداوند بنا نهاده شده است، زوجین برای حفظ آن، نه تنها در قبال یکدیگر، بلکه در مقابل خداوند نیز مسئول هستند.	در یک رابطه مشترک، در صورت توافق بر روی اصل تعهد توسط زوجین، هر کدام از طرفین بایستی به یکدیگر تعهد داشته باشند.
خداوند در حفظ رابطه زناشویی به زوجین کمک می‌کند. حفظ رابطه زناشویی خشنودی خداوند و برکت او را در پی دارد.	گذشت در رابطه زناشویی و کمک به حفظ آن، باید همیشه دوطرفه باشد و توسط فرد مقابل مورد توجه قرار گیرد، در غیر این صورت رابطه محکوم به شکست است.

با توجه به این مباحث، می‌توان نتیجه گرفت که نگرش مذهبی و ایمان به حضور خداوند در زندگی زناشویی، باعث می‌شود زوجین دیدگاه متفاوتی به رابطه زناشویی داشته باشند و نه تنها به خود و همسرشان برای داشتن یک رابطه رضایت بخش تعهد داشته باشند، بلکه این تعهد می‌تواند به خداوند نیز تعمیم یابد. با این وجود، علاوه بر اینکه نگرش مذهبی می‌تواند منجر به بروز رفتارهایی شود که رضایت زناشویی را در پی دارند (لامبرت و دولاهیت، ۲۰۰۶؛ دولاهیت و لامبرت، ۲۰۰۷)، می‌تواند از طریق تأثیرگذاری بر شیوه‌های مقابله مذهبی نیز به زوجین کمک کند که در حل مشکلات زناشویی، باورهای دینی خود را وارد کنند و در نتیجه بهتر با تعارضات زناشویی روبرو شوند (کرومری، ماهونی و پارگامنت، ۲۰۱۱). به عبارت دیگر، مقابله مذهبی می‌تواند به عنوان یک متغیر میانجی در ارتباط بین نگرش مذهبی به رابطه زناشویی و رضایت زناشویی نقش ایفا کند. مقابله مذهبی به شیوه استفاده از باورهای مذهبی در

هنگام مواجهه با مشکلات اطلاق می‌شود. این نوع مقابله، می‌تواند به دو شکل مثبت و منفی وجود داشته باشد. در مقابله مثبت، فرد با استفاده از ارزیابی و تفسیرهای مثبت از باورهای مذهبی و کمکی که خداوند در حل مشکلاتش می‌تواند به وی بکند، به مواجهه با مشکلات برمی‌خیزد، اما برعکس در مقابله مذهبی منفی، فرد با تفسیرهای منفی و اشتباه در مورد نقش خداوند در مشکلاتش، به مواجهه با رویدادهای سخت زندگی برمی‌خیزد (پارگامنت و همکاران، ۱۹۹۸). مقابله مثبت مذهبی (مانند جستجوی ارتباط با خدا و ارزیابی مثبت مذهبی) با سلامت روان بالاتر و مقابله منفی مذهبی (مانند تردید در مورد کمک خداوند و ارزیابی منفی مذهبی) با سلامت روان پایین‌تر ارتباط دارد (آنو و واسکونسلز، ۲۰۰۵).

سالیوان (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای دریافت که مقابله مذهبی می‌تواند یک نقش میانجی در ارتباط بین آسیب‌پذیری زناشویی^۱ و رضایت زناشویی ایفا کند. پولارد، ریگر و هاگ (۲۰۱۴) استدلال می‌کنند که مقابله مذهبی می‌تواند تأثیرات سبک دلبستگی ناایمن بر کاهش رضایت زناشویی را از طریق ایجاد یک منبع امن دلبستگی و منبع دیگری که بتواند در مواجهه با استرس به کمک فرد بیاید، کاهش دهند. همچنین فرض بر این است که مقابله مذهبی می‌تواند یک نقش میانجی بین باورهای مذهبی و سلامت روان ایفا کند (پارگامنت و همکاران، ۱۹۹۸). مقابله مذهبی چه به صورت مثبت و چه منفی، ممکن است منجر به شیوه‌های خاص زوجین در مواجهه با تعارضات زناشویی شود و رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال، زوجین دارای گرایش‌های مذهبی قوی‌تر که عقیده به مقدس بودن ازدواج دارند، ممکن است بیشتر از فرایندهای تعاملی استفاده کنند که محققان آنها را به عنوان حفظ‌کننده رابطه زناشویی می‌شناسند (برای مثال، گوش دادن همدلانه، مصالحه کردن^۲، پذیرش) و از تعاملاتی که تنش بین آنها را شدیدتر می‌کند، اجتناب کنند. برای مثال، تهدید کلامی^۳، در تنگنا قرار دادن^۴، اجتناب (ماهونی و همکاران، ۲۰۰۳). با این وجود، دیدگاه‌های مذهبی متفاوت^۵ در مورد اهداف زندگی زناشویی، به طور بالقوه می‌تواند استفاده از شیوه‌های ناسازگارانه را شدت بخشد. برای مثال ممکن است تعارضات در پایان یک رابطه زناشویی یا حاملگی بدتر شود، اگر یکی از زوجین معتقد باشد که طلاق یا جدایی از دیدگاه خداوند کاملاً غیرقابل پذیرش است و طرف مقابل دیدگاهی برخلاف این داشته باشد (ماهونی، ۲۰۰۵). با توجه به مباحث نظری و پژوهشی مطرح شده، الگوی ارتباط بین متغیرهای ایمان به حضور خداوند در رابطه زناشویی، مقابله مذهبی و رضایت زناشویی در شکل ۱ نشان داده شده است.

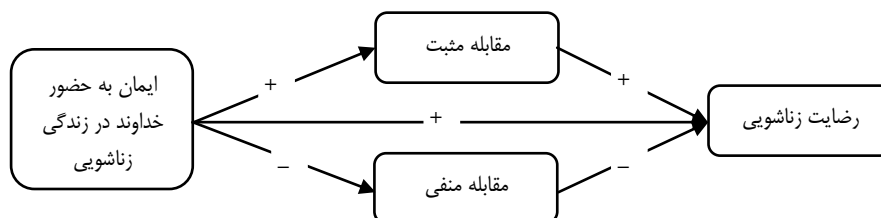
1. marital vulnerabilities

2. compromise

3. verbal coercion

4. stalemating

5. irreconcilable



شکل ۱. نقش میانجی شیوه‌های مقابله مذهبی در ارتباط بین ایمان به حضور خداوند در زندگی زناشویی و رضایت زناشویی

داشتن نگرش مذهبی در رابطه زناشویی و تقدس بخشیدن به ازدواج، در جامعه امروزی که ما شاهد کاهش تمایل به ازدواج و افزایش طلاق هستیم، می‌تواند به جلوگیری از این روند کمک بسزایی کند. جامعه کنونی در حال تجربه کردن بعضی از تغییرات قابل توجه درباره ازدواج و رابطه زناشویی است که ممکن است شیوه تفکر و تجربه موضوعات مربوط به ازدواج را تحت تأثیر خود قرار دهد. برای مثال، محققان غربی اظهار می‌کنند که یک افزایش در تمایلات فردگرایی و خودشیفتگی^۱، تجربیات اولیه جنسی قبل از ازدواج، پذیرش زیاد زندگی‌های هم‌خانه‌ای و طلاق، حرکت به سوی تشابه نقش‌های جنسی و تساوی‌طلبی‌های بشر^۲ و ایده‌آل‌های رمانتیک شده^۳ بالا در مورد عشق و ازدواج به وجود آمده است (آماتو و بوث، ۱۹۹۷؛ کریستوفر، ۲۰۰۱؛ وایتهد و پوپنو، ۱۹۹۹). در پژوهشی که اخیراً مهاجرانی (۱۳۸۹) در ایران با هدف بررسی تحول وضع زناشویی و تغییر الگوی سنی ازدواج در ایران انجام داد، نتایج نشان داد که هرچند عمومیت ازدواج در ایران هنوز در سطح بالایی است، ولی تغییر قابل ملاحظه‌ای در الگوی سنی ازدواج دیده می‌شود که می‌تواند حاکی از افزایش مجرد قطعی و کاهش عمومیت ازدواج در دهه‌های آینده باشد. هر چند مهاجرانی (۱۳۸۹) دلایل مختلفی را برای این موضوع برشمرده است، اما یکی از دلایل این تغییر الگوی ازدواج می‌تواند عدم توجه به نقش مذهب در زندگی زناشویی باشد. برای جلوگیری از حرکت جامعه به سمت معضلی که جوامع غربی اکنون دچار آن هستند و تغییر نامناسب معنای زندگی زناشویی به سمت از بین رفتن نهاد خانواده، بایستی پژوهش‌های بیشتری در این زمینه صورت گیرد تا الگوهای مناسب معنای زندگی زناشویی بر مبنای فرهنگ و سنت و مذهب جامعه ایرانی شناسایی، و در جه اشاعه آن در بین زوجین ایرانی تلاش شود. اهمیت این مسئله زمانی بیشتر

^۱ . narcissistic and individualistic

^۲ . egalitarianism

^۳ . romanticized

ارتباط ایمان به حضور خداوند در زندگی زناشویی و رضایت‌مندی زوجین ...

می‌شود که اکثر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه به بررسی باورهای عمومی مذهبی زوجین، و نه نقش این باورها در شکل‌دهی نگرش افراد به زندگی زناشویی، پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن این اهمیت به بررسی نقش میانجی شیوه‌های مقابله مذهبی در ارتباط بین ایمان به حضور خداوند در زندگی زناشویی و رضایت‌مندی زناشویی زوجین می‌پردازد.

روش

پژوهش حاضر یک مطالعه مقطعی از نوع همبستگی بود که با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری انجام شد. جامعه پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان متأهل سپاه و همسران آن‌ها (دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله الاعظم «ع» و دانشگاه امام حسین «ع») بود. از بین این جامعه ۲۴۸ نفر با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. بدین ترتیب که ابتدا از بین دانشکده‌های مختلف به تصادف پنج دانشکده انتخاب و سپس با مراجعه به لیست دانشجویان متأهل از طریق اداره آموزش هر دانشکده، آزمودنی‌های شرکت‌کننده در پژوهش به تصادف (از هر دانشکده تقریباً ۳۰ نفر) انتخاب شدند. با توجه به محدودیت‌های نمونه‌گیری در دانشجویان متأهل سپاه و دسترسی مشکل به آن‌ها و همسرانشان، ۲۴۸ نفر برای شرکت در پژوهش شرکت کردند که در نهایت پاسخ‌های ۲۲۳ نفر به پرسشنامه‌ها از لحاظ آماری قابل تحلیل بود و مابقی به علت ناقص پرکردن پرسشنامه‌ها از پژوهش کنار گذاشته شدند. حجم نمونه با توجه به محدودیت نمونه‌گیری و مطالعات مشابه در این زمینه (پولارد و همکاران، ۲۰۱۴؛ سالیوان، ۲۰۰۱) انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از مقیاس ایمان در رابطه زناشویی رضاپور و همکاران (۱۳۹۲)، مقابله مذهبی پارگامنت و همکاران (۲۰۰۰) و شاخص رضایت زناشویی هادسون (۱۹۹۲) جمع‌آوری و با استفاده از آزمون‌های همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و تحلیل معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

الف) مقیاس ایمان در رابطه زناشویی^۱: این مقیاس به منظور ارزیابی ایمان به حضور خداوند در رابطه زناشویی در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفت. این مقیاس را رضاپور میرصالح و همکارانش در سال ۱۳۹۲ به منظور سنجش نگرش مذهبی زوجین در رابطه زناشویی و ارزیابی نقش خداوند در زندگی زناشویی افراد مسلمان ایرانی طراحی کردند و شامل ۳۳ گویه است که در یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. گویه‌های این پرسشنامه ابعاد مختلف نقش باورهای مذهبی در رابطه زناشویی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. برای مثال "ازدواج نهاد

^۱ . religion in marital relationship scale

مقدسی است که توسط خداوند بنا نهاده شده است"، "خداوند همواره در سختی‌های زندگی زناشویی در کنار ما حضور دارد"، "من معتقدم که خداوند پیونددهنده قلب‌هاست و هنگام بروز تعارض‌ها ما را به یکدیگر نزدیک می‌کند" و "وفاداری به همسر نه تنها یک تعهد زناشویی بلکه یک تعهد و ارزش دینی است". این پرسشنامه شامل ۶ بعد ارزش‌گذاری دینی در رابطه زناشویی، اتکاء به خداوند در رابطه زناشویی، مسئولیت‌پذیری دینی در رابطه زناشویی، الگوگیری عملی-اعتقادی دینی در رابطه زناشویی، حضور خداوند در رابطه زناشویی و تردید اعتقادی است که برای بدست آوردن نمره کلی پرسشنامه، گویه‌های تردید اعتقادی به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. فرم اولیه پرسشنامه شامل ۵۴ گویه بود که ۲۱ گویه آن در بررسی روایی محتوایی و سازه آزمون حذف شدند. گویه‌ها بر اساس بررسی مبانی نظری و پژوهشی موضوع و همچنین پرسشنامه‌های مشابه طراحی شدند. برای محاسبه نسبت روایی محتوایی^۱ (CVR)، با توضیح اهداف آزمون برای ۱۵ کارشناس آگاه به موضوع و ارائه تعاریف مربوط به محتوای سؤالات به آن‌ها، از آن‌ها خواسته شد تا هر یک از سؤالات را بر اساس طیف سه بخشی لیکرت «گویه ضروری است»، «گویه مفید است ولی ضروری نیست» و «گویه ضرورتی ندارد» طبقه‌بندی کنند. سپس بر اساس فرمول لاوشه (۱۹۷۵)، این نسبت برای تک تک گویه‌ها محاسبه شد. با توجه به جدول لاوشه (۱۹۷۵)، سؤالاتی حفظ شدند که نمره‌ای بالاتر از ۰/۴۹ در فرمول بدست آوردند. همچنین برای محاسبه شاخص روایی محتوایی^۲ (CVI) از این کارشناسان آگاه به موضوع خواسته شد «مربوط بودن»، «واضح بودن» و «ساده بودن» هر گویه را بر اساس یک طیف لیکرتی ۴ بخشی مشخص کنند. با محاسبه این شاخص با استفاده از فرمول مورد نظر (یغمایی، ۲۰۰۳)، گویه‌هایی در آزمون حفظ شدند که بر اساس حداقل قابل قبول در این شاخص، نمره‌ای بالاتر از ۰/۷۹ آوردند. بدین ترتیب روایی محتوایی آزمون مورد تأیید قرار گرفت (رضاپور میرصالح و همکاران، ۱۳۹۲). برای مشخص شدن روایی صوری سؤالات، از ۲۵ شرکت کننده گروه هدف خواسته شد تا میزان اهمیت هر یک از گویه‌های پرسشنامه را در یک طیف لیکرتی ۵ قسمتی از ۱ (اصلاً مهم نیست) تا ۵ (کاملاً مهم است) مشخص نمایند. کاملاً مهم است (امتیاز ۵)، مهم است (امتیاز ۴)، به طور متوسطی مهم است (امتیاز ۳)، اندکی مهم است (امتیاز ۲) و اصلاً مهم نیست (امتیاز ۱). محاسبه نمرات تأثیر گویه‌ها^۳ با استفاده از فرمول محاسبه (آکرمن، ۱۹۹۲)، نشان داد که تمام گویه‌ها نمره‌ای بیشتر از حداقل قابل قبول در نمرات تأثیر، یعنی ۱/۵، آورده‌اند (آکرمن، ۱۹۹۲). بنابراین، روایی صوری آزمون نیز مورد تأیید قرار گرفت (رضاپور میرصالح و همکاران، ۱۳۹۲). نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که گویه‌ها در ۶ عامل بار معنی‌داری می‌گیرند. این

۱. content validity ratio

۲. content validity index

۳. item Impact

پرسشنامه روایی همگرایی با مقیاس مذهب‌گرایی اسلامی (بهرامی احسان، ۱۳۸۴)، مقیاس حضور خداوند در زندگی زناشویی (ماهونی و همکاران، ۱۹۹۹) و تقدس در ازدواج (ماهونی و همکاران، ۱۹۹۹) داشت. ضریب پایایی بازآزمایی مقیاس به فاصله یک هفته از دو بار اجرای آزمون $0/85$ بود ($p < 0/05$). آلفای کرونباخ نمره کلی مقیاس نیز $0/94$ بدست آمد (رضاپور میرصالح و همکاران، ۱۳۹۲).

ب) مقیاس مقابله مذهبی: فرم کوتاه این مقیاس توسط پارگامنت و همکارانش (۲۰۰۰) طراحی شده و شامل ۱۴ گویه است که هفت گویه اول آن شیوه مقابله مذهبی مثبت و هفت گویه دوم آن شیوه مقابله مذهبی منفی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. نمره‌گذاری پرسشنامه با یک مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت از ۱ (به هیچ وجه) تا ۴ (بسیار زیاد) انجام می‌شود. ساختار عاملی این مقیاس با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مورد تأیید قرار گرفته شده و همچنین روایی پیش بین مقیاس در پیش‌بینی سلامت روان نیز معنی‌دار گزارش شده است (پارگامنت و همکاران، ۲۰۱۱). پارگامنت و همکارانش (۲۰۱۱) با مرور مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف که از فرم کوتاه مقیاس مقابله مذهبی استفاده کرده بودند، به این نتیجه رسیدند که این مقیاس می‌تواند خارج از ملاحظیات فرهنگی، در بسیاری از کشورها و فرهنگ‌ها کاربرد داشته باشد. مظاهری و شهابی زاده (۲۰۱۱) با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی ساختار عاملی نسخه فارسی مقیاس را مورد تأیید قرار دادند و همچنین آلفای کرونباخ زیرمقیاس مقابله مثبت را $0/95$ و مقابله منفی را $0/93$ گزارش کردند.

ج) شاخص رضایت زناشویی^۱: این پرسشنامه توسط هادسون در سال ۱۹۹۲ با هدف اندازه‌گیری مشکلات رابطه زناشویی معرفی شده است. این شاخص دارای ۲۵ سؤال است که در یک مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری و به عنوان یک ابزار اندازه‌گیری کلی رضایت زناشویی در نظر گرفته می‌شود (ترکان و مولوی، ۱۳۸۸). شاخص رضایت زناشویی ارتباط دونفری را توصیف نمی‌کند بلکه در عوض، میزان ناهماهنگی و نارضایتی ادراک شده توسط هر یک از همسران را ارزیابی می‌کند. نمره بالای پاسخگو در این شاخص نشان‌دهنده داشتن مشکلات بیشتر و رضایت زناشویی کمتر است. نمرات این مقیاس ابتدا در ۱۰۰ ضرب و سپس بر ۶ برابر سؤالاتی که فرد به آن پاسخ داده شده تقسیم می‌شود، تا نمره‌ای بین ۱۰۰-۰ بدست آید. ترکان و مولوی (۱۳۸۸) آلفای کرونباخ این پرسشنامه را برای زوجین دارای روابط غیرآشفته $0/97$ و برای زوجین دارای روابط آشفته $0/93$ گزارش کردند. میزان ضریب روایی تشخیصی این شاخص $0/68$ بدست آمد که معنی‌دار بود ($p < 0/01$). این شاخص همچنین روایی همگرایی معنی‌داری با مقیاس سازگاری دونفری داشت. همچنین تحلیل عاملی سؤالات این شاخص نشان داد که همگی سؤالات یک عامل همگن را می‌سنجند (ترکان و مولوی، ۱۳۸۸).

^۱ . index of marital satisfaction

یافته‌ها

اطلاعات مربوط به متغیرهای جمعیت‌شناختی در جدول ۲ آورده شده است. همان طور که مشاهده می‌شود تعداد مردها به دلیل دسترسی بهتر در جامعه بیشتر از زن‌ها بود و سطح تحصیلات بیشتر افراد شرکت کننده در پژوهش کاردانی و کارشناسی بود.

جدول ۲. فراوانی متغیرهای جمعیت‌شناختی در نمونه مورد مطالعه

متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد	متغیر	تعداد پاسخ دهندگان	میانگین	انحراف معیار
جنسیت	مرد	۱۴۷	۶۵/۹	سن	۲۲۰	۲۲/۷۳	۷/۲۸
	زن	۷۶	۳۴/۱	سن همسر	۲۱۷	۲۱/۵۸	۶/۶۷
سطح تحصیلات	دیپلم و زیردیپلم	۱۳	۵/۸	مدت ازدواج	۲۱۶	۳/۷۶	۲/۲۳
	کاردانی و کارشناسی	۱۵۸	۷۰/۸	تعداد فرزند	۲۱۴	۱/۱۱	۰/۸۸
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۴۸	۲۱/۵				
	پاسخ نداده	۴	۱/۸				

میانگین، انحراف معیار و ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای ایمان به خدا در رابطه زناشویی، مقابله مذهبی و رضایت زناشویی و ابعاد آن‌ها در جدول ۳ آورده شده است. نمره کلی ایمان در رابطه زناشویی و تمام ابعاد آن با نمرات شاخص رضایت زناشویی همبستگی معنی‌دار منفی داشت ($p < 0/01$). به دلیل اینکه نمرات پایین در پرسشنامه شاخص رضایت زناشویی به معنای رضایت زناشویی بالا است. این یافته نشان می‌دهد که هرچه ایمان به خداوند در رابطه زناشویی افزایش می‌یافت، رضایت زناشویی افراد نیز افزایش می‌یافت. سبک مقابله مثبت نیز با شاخص رضایت زناشویی همبستگی معنی‌دار منفی و برعکس، سبک مقابله منفی مذهبی را شاخص رضایت زناشویی همبستگی معنی‌دار مثبت داشت ($p < 0/01$). این مسئله بدین معنی است که استفاده از مقابله مذهبی مثبت با رضایت زناشویی بالاتر همراه بود و استفاده از مقابله مذهبی منفی با رضایت زناشویی پایین‌تر همراه بود.

ارتباط ایمان به حضور خداوند در زندگی زناشویی و رضایت‌مندی زوجین ...

جدول ۳. میانگین، انحراف معیار و همبستگی درونی بین متغیرها

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	میانگین	انحراف معیار
الگوگیری عملی-اعتقادی	۱									۴۴/۵۴	۶/۸۶
(عدم) تردید مذهبی	۰/۲۳*	۱								۱۱/۰۰	۲/۶۰
اتکاء به خداوند	۰/۶۵*	۰/۲۳*	۱							۲۶/۱	۳/۳۰
حضور خداوند	۰/۶۶*	۰/۱۹*	۰/۵۹*	۱						۲۲/۹۳	۲/۴۱
ارزش‌گذاری مذهبی	۰/۵۸*	۰/۲۸*	۰/۵۷*	۰/۵۵*	۱					۲۱/۸۳	۲/۷۲
مسئولیت‌پذیری دینی	۰/۵۰*	۰/۰۱	۰/۴۶*	۰/۴۵*	۰/۴۱*	۱				۹/۹۳	۲/۵۹
نمره کلی ایمان در رابطه	۰/۹۱*	۰/۴۰*	۰/۸۱*	۰/۷۸*	۰/۷۶*	۰/۶۳*	۱			۱۳۶/۳۹	۱۵/۴۹
مقابله مذهبی مثبت	۰/۴۸*	۰/۲۱*	۰/۸۲*	۰/۴۸*	۰/۴۰*	۰/۶۵*	۰/۴۰*	۱		۳۷/۰۳	۱/۸۲
مقابله مذهبی منفی	۰/۷۴*	۰/۳۴*	۰/۵۳*	۰/۵۰*	۰/۵۰*	۰/۳۸*	۰/۷۳*	۰/۵۲*	۱	۹/۷۴	۲/۶۸
رضایت زناشویی	۰/۳۵*	۰/۴۲*	۰/۴۲*	۰/۲۴*	۰/۳۱*	۰/۱۳*	۰/۴۳*	۰/۴۱*	۰/۵۳*	۲۲/۱۸	۱۸/۷۷

* $p < 0.01$

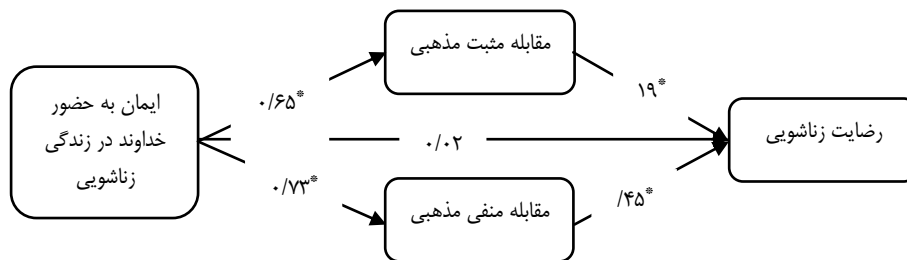
(نمرات بالا در شاخص رضایت زناشویی نشان‌دهنده رضایت زناشویی پایین‌تر است).

جدول ۴ نیز نتایج رگرسیون پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس متغیرهای ایمان به خدا در رابطه زناشویی و شیوه‌های مقابله مذهبی را نشان می‌دهد. در مرحله اول ایمان در رابطه زناشویی وارد معادله رگرسیون شد و در مرحله دوم مقابله مذهبی برای پیش‌بینی رضایت زناشویی وارد معادله شد. ورود متغیرها به معادله رگرسیون نیز بر مبنای مدل پیش‌فرض ارائه شده در شکل ۱ انجام شد. با این استدلال که نقش ایمان در رابطه زناشویی در پیش‌بینی رضایت زناشویی مقدم بر شیوه‌های مقابله مذهبی است و ایمان در رابطه زناشویی علاوه بر اینکه می‌تواند رضایت زناشویی زوجین را تبیین کند، می‌تواند استفاده آن‌ها از شیوه‌های مقابله مذهبی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، ایمان به خداوند در رابطه زناشویی و شیوه‌های مقابله مذهبی در مجموع قادر به پیش‌بینی ۴۰ درصد واریانس رضایت زناشویی افراد شرکت‌کننده در پژوهش بود. ضریب همبستگی چندگانه بین متغیرها با ورود متغیرهای ایمان به خدا در رابطه زناشویی به معادله رگرسیون، $R^2 = 0.55$ بدست آمد و نشان می‌داد که ایمان به خدا در رابطه زناشویی در مجموع قادر به پیش‌بینی ۳۰ درصد واریانس رضایت زناشویی بود. در مرحله دوم، شیوه‌های مقابله مذهبی وارد معادله رگرسیون شد و ضریب همبستگی چندگانه را تا $R^2 = 0.64$ بالا برد که نشان می‌داد شیوه‌های مقابله مذهبی جدای از ایمان به خداوند در رابطه زناشویی، قادر به پیش‌بینی ۱۰ درصد از واریانس رضایت زناشویی هستند. از بین ابعاد ایمان به خداوند در رابطه زناشویی، عدم تردید مذهبی و اتکاء به خداوند، نقش معنی‌داری در پیش‌بینی رضایت زناشویی داشت و از بین ابعاد مقابله مذهبی نیز مقابله مذهبی منفی قادر به پیش‌بینی رضایت زناشویی بود ($p < 0.01$).

جدول ۴. نتایج رگرسیون پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس متغیرهای ایمان به خدا در رابطه زناشویی و شیوه‌های مقابله مذهبی

متغیر	ابعاد	B	خطای استاندارد	β	t	معنی داری	R	R ²	R ² Δ
ایمان در رابطه زناشویی	الگوگیری عملی-اعتقادی	۰/۴۴	۰/۲۸	۰/۱۶	۱/۵۹	۰/۱۱۳	۰/۵۵	۰/۳۰	—
	(عدم) تردید مذهبی	۱/۷۶	۰/۴۲	۰/۲۴	۴/۲۱	۰/۰۰۱			
	اتکاء به خداوند	۱/۷۰	۰/۶۴	۰/۳۰	۲/۶۵	۰/۰۰۹			
مقابله مذهبی	حضور خداوند	۰/۷۵	۰/۵۹	۰/۱۰	۱/۲۸	۰/۲۰۳	۰/۶۴	۰/۴۰	۰/۱۰
	ارزش گذاری مذهبی	۰/۰۶	۰/۴۹	۰/۰۱	۰/۱۲	۰/۹۰۱			
مقابله منفی	مسئولیت پذیری دینی	۰/۵۲	۰/۴۷	۰/۰۷	۱/۱۲	۰/۲۶۴			
	مقابله مثبت	۰/۱۱	۱/۰۲	۰/۰۱	۰/۱۱	۰/۹۱۳			
	مقابله منفی	-۳/۳۵	۰/۶۰	-۰/۴۸	-۵/۵۸	۰/۰۰۱			

برای آزمون فرضیه اصلی و مدل مفروض ارائه شده در پژوهش حاضر، از تحلیل معادلات ساختاری استفاده شد که نتایج آن در شکل ۲ و جدول ۵ آورده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، ضرایب مسیر ایمان به حضور خداوند در رابطه زناشویی و هر دو سبک مقابله مذهبی معنی‌دار است. همچنین ضرایب مسیر هر دو سبک مقابله مذهبی به رضایت زناشویی نیز معنی‌دار است ($p < ۰/۰۱$)، اما ضرایب مسیر ایمان به خدا در رابطه زناشویی با رضایت زناشویی معنی‌دار نشده است ($p > ۰/۰۵$). با این وجود، شاخص‌های برازش مدل در جدول ۵ معنی‌دار است و می‌توان گفت این مدل از برازش مناسبی برخوردار است.



شکل ۲. مدل برازش شده نقش میانجی مقابله مذهبی در ارتباط بین ایمان به حضور خدا در رابطه زناشویی و رضایت زناشویی ($p < ۰/۰۱$)

ارتباط ایمان به حضور خداوند در زندگی زناشویی و رضایت‌مندی زوجین ...

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل

شاخص‌ها	χ^2	DF	sig	χ^2/DF	GFI	AGFI	NFI	RFI	IFI	CFI	RMS EA
مقدار	۱/۷۸۵	۱	۰/۱۸۲	۱/۷۸۵	۰/۹۹۶	۰/۹۶۲	۰/۹۹۵	۰/۹۷۱	۰/۹۹۸	۰/۹۹۸	۰/۰۵۹

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، مقدار χ^2 دو غیرمعنی‌دار است ($p > 0.05$) و تمامی شاخص‌های برازش مدل نیز به معیار مطلوب برای برازش رسیده‌اند. شاخص‌های نیکویی برازش^۱ (GFI) شاخص برازش هنجار شده^۲ (NFI)، شاخص برازش نسبی^۳ (RFI)، شاخص برازش افزایشی^۴ (IFI)، شاخص برازش تطبیقی^۵ (CFI) همگی بالای ۰/۹۰ هستند که برای برازش مدل مطلوب تلقی می‌شوند. ریشه میانگین مربعات خطای برآورد^۶ (RMSEA) نیز ۰/۰۵۹ بدست آمد که مطلوب تلقی می‌شود (ملاک زیر ۰/۰۸ است، قاسمی، ۱۳۸۹). با توجه به معنی‌داری ضرایب مسیر و برازش مدل می‌توان گفت که ایمان به خداوند در رابطه زناشویی در بین افراد شرکت‌کننده در پژوهش تأثیر مستقیمی روی رضایت زناشویی نداشت، اما با تأثیر مثبت بر شیوه مقابله مذهبی مثبت و با تأثیر منفی بر شیوه مقابله مذهبی منفی قادر به افزایش رضایت زناشویی است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که ایمان به حضور خداوند در رابطه زناشویی و مقابله مذهبی قادر به پیش‌بینی معنی‌دار رضایت زناشویی افراد هستند و همچنین مقابله مذهبی در ارتباط بین ایمان به حضور خداوند در رابطه زناشویی و رضایت زناشویی نقش میانجی معنی‌داری دارد. این یافته همسو با نتایج مطالعات پولارد و همکاران (۲۰۱۴)، سالیوان (۲۰۰۱)، کرومری و همکاران (۲۰۱۱)، لویز و همکاران (۲۰۱۱) و ترمیلی و همکاران (۲۰۰۲) بود. لویز و همکارانش (۲۰۱۱) دریافتند که تعهد مذهبی ممکن است در مواجهه زوجین با مشکلات زناشویی به عنوان یک ضربه‌گیر^۷ عمل کند. کرومری و همکارانش (۲۰۱۱) نیز دریافتند که باورهای مذهبی و شیوه‌های مقابله برگرفته از آن‌ها، سازگاری شخصی فرد را در مواجهه با مشکلات منفی زندگی زناشویی افزایش می‌دهد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که آموزه‌های مذهبی مختلف می‌توانند شیوه‌های مقابله سازگارانه و (در صورت برداشت اشتباه از مذهب) شیوه-

^۱. Goodness of Fit Index (GFI)

^۲. Normal Fit Index (NFI)

^۳. Relative Fit Index (RFI)

^۴. Incremental Fit Index (IFI)

^۵. Comparative Fit Index (CFI)

^۶. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

^۷. buffer

های مقابله غیرسازگارانه‌ای^۱ را در زوجین به وجود بیاورند (ماهونی و همکاران، ۲۰۰۱). برای مثال، آموزه‌های هر سه دین اسلام، مسیحیت و یهود، افرادی که درگیر تعارض‌های زناشویی هستند را به خودشناسی^۲، تأیید اشتباهات، رهاکردن ترس از طرد^۳ و نشان دادن آسیب‌پذیری^۴ خود، بخشیدن خطاهای یکدیگر، جلوگیری از بروز خشم، صبور بودن، عشق ورزیدن و مهربانی ترغیب می‌کنند (استنلی و همکاران، ۱۹۹۸).

از جمله دلایل دیگری که باعث می‌شود ایمان به خداوند در زندگی زناشویی شیوه‌های مقابله مثبت را در زوجین برانگیخته کند، این است که مذهب نظام‌های معنایی الهی به افراد پیشنهاد می‌کند که می‌توانند تعارض‌های خانوادگی را به شیوه منحصر به فردی حل کنند. مذهب منحصر به فرد است، زیرا ادراکات افراد از «تقدس» را هم در اهداف و هم در شیوه دنبال کردن آنها در زندگی تحت تأثیر قرار می‌دهد. (پارگامنت، مورای و مگیار، ۲۰۰۵؛ پارگامنت و ماهونی، ۲۰۰۲). آموزه‌ها و اعمال مذهبی (خارج از درنظر گرفتن نوع مذهب)، به اعضای خانواده خطمشی را درباره شاخص‌های مطلوب زندگی ارائه می‌دهند که عمدتاً شامل آداب و رسوم و سنت‌هایی می‌شود که ریشه در حفظ نهاد ازدواج به عنوان یک نهاد مقدس دارند (روکاز، ۲۰۰۵). بنابراین، گرایش‌های مذهبی نه تنها بر تعهد افراد نسبت به یکدیگر، بلکه همچنین در تعهد نسبت به نهاد ازدواج^۵ نیز تأثیر دارند. مک دونالد (۱۹۸۱) در مورد تعهد به نهاد مذهب^۶ بحث می‌کند و معتقد است که آن متفاوت از تعهد به یک فرد خاص است. لوینگر (۱۹۷۶) اشاره می‌کند که این نوع از تعهد ممکن است مانعی برای طلاق محسوب شود، حتی هنگامی که کیفیت زندگی زناشویی پایین است. بنابراین، احتمالاً گرایش‌های مذهبی تعهد فرد را هم به نهاد مذهب که طلاق را ممنوع می‌کند (یا افراد را از آن به شدت بر حذر می‌دارد) و هم به خود نهاد ازدواج افزایش می‌دهد. به این طریق، افراد مذهبی موانع بیشتری برای طلاق دارند و سبک‌های مقابله مذهبی مثبت برای حفظ رابطه زناشویی، بیشتر به کمک آنها می‌آید. همچنین میزان گرایش‌های مذهبی بیشتر پیش-بینی کننده برتری مدل «رسمی»^۷ ازدواج است که بر فداکاری فردی و تعهد کامل به ازدواج تأکید می‌کند، تا یک مدل «قراردادی»^۸ ازدواج که مشخصه آن تقدم نیازهای افراد بر قید و پیوندهای زناشویی است (سانچز و همکاران، ۲۰۰۲). مهم‌ترین دلیلی که نشان از تأثیر مذهب بر شیوه مقابله زوجین در

1. maladaptive
2. self-scrutiny
3. rejection
4. Vulnerabilities
5. institution of marriage
6. religious institution
7. covenantal
8. contractual

مواجهه با مشکلات زناشویی دارد، این است که افرادی که گرایش‌های مذهبی بیشتری دارند به احتمال بیشتری به ازدواج‌شان به عنوان رابطه‌ای که کیفیت معنوی دارد (برای مثال، مبارک و مقدس)، نگاه می‌کنند و معتقدند که خداوند ازدواج آنها را حفظ می‌کند (ماهونی و همکاران، ۱۹۹۹). همچنین ارزش‌های مذهبی می‌توانند باعث شوند زوجین به مذهب به عنوان نقشه مسیره‌های زناشویی^۱ نگاه کنند و مذهب راهنمای آنها در روابط جنسی، نقش‌های جنسیتی و فداکاری شخصی در ازدواج^۲ باشد (ماهونی و همکاران، ۲۰۰۳). در نهایت اینکه زوجین ممکن است به دیگر شکل‌های مقابله مذهبی برای مواجهه با تعارضات توسل جویند (پارگامنت، ۱۹۹۷)، مانند مداخله از طرف جامعه مذهبی^۳ (برای مثال کمک گرفتن از یک عالم دینی)، ارزیابی مجدد مثبت تعارضات (برای مثال، دیدن خطر یا تعارض زناشویی به عنوان یک عامل آسیب‌زننده به معنویت فردی) و آداب و رسوم مذهبی (برای مثال، مراسم بخشش و آشتی). نتایج یک مطالعه نشان می‌دهد که زوجین مذهبی که مدت زمان زندگی مشترک طولانی داشتند، اغلب با نماز خواندن به حل سازگارانۀ تعارضات زناشویی خود کمک می‌کردند (بوتلر، استوت و گردنر، ۲۰۰۲). با این وجود، همان‌طور که اشاره شد، نتایج مطالعه حاضر نشان داد که مقابله مذهبی منفی می‌تواند تأثیر منفی بر رضایت زناشویی داشته باشد. اختلاف برداشت در باورهای مذهبی یا برداشت اشتباه از نقش خداوند در زندگی زناشویی، می‌تواند منجر به استفاده افراد از مقابله منفی مذهبی هنگام مواجهه با رویدادهای زندگی شود. نتایج یک مطالعه نشان داد که تفاوت دیدگاه‌های مذهبی زوجین، به‌خصوص در برداشت‌های فردی از کتاب مقدس، تعارض‌های بیشتری را درباره موضوع‌های خاص به وجود می‌آورد (کورتیز و ایسون، ۲۰۰۲). برای مثال، هنگامی که زن اعتقادات محافظه‌کارانه مسیحی بیشتری نسبت به شوهرش دارد، مشاجرات بیشتری بین آنها درباره چگونگی گذراندن زمان و رابطه با خویشاوندان صورت می‌گیرد و هنگامی که مرد محافظه‌کارتر از زن است، مشاجرات بیشتری درباره نحوه تربیت کودک بین زوجین اتفاق می‌افتد (کورتیز و ایسون، ۲۰۰۲). از آنجا که، هر یک از زوجین ممکن است معنویت شخصی خود را بروز دهد، مذهب ممکن است زوجین را در معرض تعارض منحصر به فردی قرار دهد. زوجین همچنین ممکن است اختلاف‌نظرهایی در چگونگی تلفیق «تقدس» به جنبه‌های دیگر زندگی-شان در کنار رابطه زناشویی‌شان داشته باشند. مانند: الف) هر یک از زوجین به طور فردی با «تقدس» روبرو می‌شود (برای مثال، تصاویر متفاوت از خدا یا تمایلات متفاوت در شرکت کردن در مراسم‌های مذهبی) و ب) نقش‌ها یا فعالیت‌هایی که ممکن است تنها یکی از زوجین آنها را مقدس در نظر گیرد. برای مثال، پرورش کودک، کارهای خیریه، دنبال کردن اهداف شغلی، ورزشی یا هنری، دارایی‌های

1. marital road map of sorts

2. self-sacrifices within marriage

3. religions community

مادی (ماهونی و همکاران، ۲۰۰۳). بنابراین، همان‌طور که مذهب می‌تواند به طور خاص، به حل مشکلات زناشویی کمک کند، برداشت اشتباه از مذهب نیز می‌تواند به طور خاص باعث افزایش مشکلات زناشویی شود.

بررسی مدل تحلیل معادلات ساختاری در پژوهش حاضر نشان داد، با وجود اینکه مقابله مذهبی نقش میانجی معنی‌داری در ارتباط بین ایمان به حضور خداوند در زندگی زناشویی و رضایت زناشویی ایفا می‌کرد و یا به عبارت دیگر، ایمان به حضور خداوند در رابطه زناشویی به طور غیرمستقیم از طریق تأثیر بر مقابله مذهبی، بر رضایت زناشویی تأثیر گذاشته بود، اما تأثیر مستقیم ایمان به خداوند در رابطه زناشویی با رضایت زناشویی معنی‌دار نشد. این یافته ممکن است به دلیل به نوع ابزار مورد استفاده برای سنجش رضایت زناشویی در پژوهش حاضر باشد. شاخص رضایت زناشویی هادسون (۱۹۹۲) ابزاری است که بیشتر نارضایتی زناشویی را اندازه‌گیری می‌کند و گویه‌های آن تعارض‌ها، مشکلات و ناهماهنگی‌های زوجین در مواجهه با مشکلات را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. همان‌طور که در توضیحات این پرسشنامه نیز آورده شد، کاهش نمره افراد در این آزمون، نشانه‌ای از رضایت زناشویی تلقی می‌شود. ضریب بالای همبستگی و ضرایب مسیر سبک‌های مقابله با این شاخص نیز نشان از این دارد که این ابزار بیشتر تعارض‌های زناشویی را مورد سنجش قرار می‌دهد که مقابله با آن‌ها می‌تواند بر نمرات این شاخص تأثیرگذار باشد. با این وجود، انتظار می‌رود نگرش‌های مذهبی در رابطه زناشویی بیشتر از اینکه نارضایتی زناشویی را کاهش دهند، رضایت زناشویی را افزایش دهند (ماهونی، ۲۰۰۵). در نتیجه اگر به جای این شاخص، از ابزارهای دیگری در پژوهش استفاده شده بود، احتمال داشت این نتیجه بدست نیاید. با این وجود، اظهار نظر دقیق درباره این موضوع، نیاز به تحقیقات بیشتری در این زمینه با پرسشنامه‌های متفاوت دارد. در مجموع، بر اساس نتایج بدست آمده در پژوهش حاضر می‌توان گفت که ایمان به حضور خداوند در رابطه زناشویی و داشتن یک نگرش مذهبی به ازدواج می‌تواند با تأثیرگذاری بر شیوه‌های مقابله مذهبی، باعث افزایش رضایت زناشویی افراد شود. به عبارت دیگر، نگرش مذهبی به رابطه زناشویی، افراد را به شیوه‌های بیشتر و مفیدتری برای مواجهه با مشکلات زناشویی ترغیب می‌کند و باورهای مذهبی باعث می‌شود زوجین از راه‌حلهایی که به نوعی با باور مذهبی آن‌ها در مورد رابطه زناشویی پیوند دارد، برای حل مشکلات خود استفاده کنند. بنابراین، جدای از باورهای مذهبی فردی، افراد باید باورهای مذهبی خود را در رابطه زناشویی وارد کنند و از آموزه‌های مذهبی در مورد رابطه زناشویی بهره‌مند شوند. مقدس دیدن نهاد ازدواج و پیوند دادن آن به دستورات خداوند اگر در فرد عمیقاً به وجود بیاید، مقابله بهتری با بسیاری از تعارض‌های زناشویی صورت خواهد گرفت، و برعکس اگر باورهای مذهبی به شکل اشتباهی در زندگی زناشویی تعبیر و تفسیر شوند، ممکن است به شیوه‌های مقابله نامناسب در فرد بیانجامد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود متخصصین مربوطه در تعامل با زوجین

ارتباط ایمان به حضور خداوند در زندگی زناشویی و رضایت‌مندی زوجین ...

مذهبی این مهم را در نظر بگیرند. همچنین پیشنهاد می‌شود آموزش‌های مبتنی بر استفاده از نگرش مذهبی و ایمان به حضور خداوند در زندگی زناشویی با تأکید بر مقایسه دیدگاه‌های الهی و مادی در رابطه زناشویی، در مشاوره‌های پیش از ازدواج گنجانده شود. به علاوه، می‌توان در مشاوره‌های پیش از ازدواج چگونگی استفاده از باورهای مذهبی در رابطه زناشویی به عنوان شیوه‌های مقابله با تعارض‌های زناشویی را به زوجین آموزش داد. در مشاوره خانواده و زوج‌درمانی نیز می‌توان از الگوی ارائه شده در این پژوهش، یعنی تقویت نگرش‌های مذهبی به زندگی زناشویی در گام اول، و سپس دستیابی به سبک-های مقابله مذهبی در گام دوم و در نهایت رسیدن به رضایت زناشویی در گام آخر استفاده کرد. با این وجود، در تعمیم این یافته‌ها باید محدودیت‌های پژوهش حاضر را نیز در نظر گرفت. اول اینکه نمونه پژوهش حاضر شامل دانشجویان متأهل سپاه می‌شد و به علت تأثیر احتمالی سطح تحصیلات، سن، زمان ازدواج و متغیرهای مشابه در رضایت زناشویی، می‌توان گفت که این نمونه پراکندگی مناسب را از لحاظ این متغیرها نداشت و ممکن است این مسئله تعمیم نتایج را به سایر گروه‌های جامعه با محدودیت مواجه کند. سوگیری افراد شرکت‌کننده در پژوهش در پاسخ به سؤالات به دلیل اینکه در محیطی با قوانین نظامی و مذهبی مشغول به تحصیل بودند، نیز می‌تواند نتایج این پژوهش را تحت تأثیر قرار داده و سنجش درست باورهای مذهبی در زندگی زناشویی به خوبی انجام نشده باشد. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابهی در نمونه‌های مختلف دیگر صورت گیرد تا با اطمینان بیشتری بتوان این نتایج را تعمیم داد. همچنین پیشنهاد می‌شود مطالعات آزمایشی در جهت آموزش مقدس دیدن ازدواج و داشتن نگرش مذهبی به رابطه زناشویی به زوجین، برای سنجش تأثیر آن بر شیوه‌های مقابله مذهبی و رضایت زناشویی زوجین نیز انجام شود.

منابع

- بهرامی احسان، هادی (۱۳۸۴). ساخت و هنجاریابی پرسشنامه مذهب‌گرایی اسلامی. طرح تحقیقاتی، دانشکده روانشناسی دانشگاه تهران
- رضاپور میرصالح، یاسر (۱۳۹۲). ارائه الگوی مفهومی سازگاری زناشویی مبتنی بر تبیین ابعاد هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی در گفتگوهای تعاملی و درون شخصی زوجین متقاضی طلاق و زوجین برخوردار از سازگاری زناشویی. رساله دکتری چاپ نشده، دانشگاه علامه طباطبایی.
- رضاپور میرصالح، یاسر؛ آقایانی چاوشی، علی اکبر؛ احمدی، خدابخش؛ ملازمانی، علی (۱۳۹۲). ساخت و هنجاریابی پرسشنامه رضایت زناشویی مذهبی بر اساس آموزه‌های اسلامی در دانشجویان متأهل سپاه. طرح مصوب مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله العظم (عج).
- قاسمی، وحید. (۱۳۸۹). مدل سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی. اصفهان: جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان.
- مهاجرانی، علی اصغر. (۱۳۸۹). تحول وضع زناشویی و تغییر الگوی سنی ازدواج در ایران. فصلنامه علوم اجتماعی، ۴(۱۱)، ۴۱-۵۳.

- Ackerman, T. A. (1992). A didactic explanation of item bias, item impact, and item validity from a multidimensional perspective. *Journal of educational measurement*, 29(1), 67-91.
- Amato, P. R., & Booth, A. (1997). *A generation at risk: Growing up in an era of family upheaval*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Ano, G. G., & Vasconcelles, E. B. (2005). Religious coping and psychological adjustment to stress: A meta-analysis. *Journal of clinical psychology*, 61(4), 461-480.
- Butler, M. H., Stout, J. A., & Gardner, B. C. (2002). Prayer as a conflict resolution ritual: Clinical implications of religious couples' report of relationship softening, healing perspective, and change responsibility. *The American Journal of Family Therapy*, 30(1), 19-37.
- Christopher, F. S. (2001). *To dance the dance: A symbolic interactional exploration of premarital sexuality*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Curtis, K. T., & Ellison, C. G. (2002). Religious heterogamy and marital conflict findings from the National Survey of Families and Households. *Journal of Family Issues*, 23(4), 551-576.
- Dollahite, D. C., & Lambert, N. M. (2007). Forsaking all others: How religious involvement promotes marital fidelity in Christian, Jewish, and Muslim couples. *Review of Religious Research*, 48(3), 290-307.
- Dollahite, D. C., Hawkins, A. J., & Parr, M. R. (2012). "Something more": The meanings of marriage for religious couples in America. *Marriage & Family Review*, 48(4), 339-362.
- Ellison, C. G., & McFarland, M. J. (2013). The social context of religion and spirituality in the United States. *APA handbook of psychology, religion, and spirituality*, 1, 21-50.
- Ellison, C. G., Wolfinger, N. H., & Ramos-Wada, A. I. (2013). Attitudes toward Marriage, Divorce, Cohabitation, and Casual Sex among Working-Age Latinos Does Religion Matter?. *Journal of Family Issues*, 34(3), 295-322.
- Hudson, W.W. (1992). *Index of marital satisfaction tempe*. AZ, Walmyr Publishing Co
- Krumrei, E. J., Mahoney, A., & Pargament, K. I. (2011). Spiritual stress and coping model of divorce: A longitudinal study. *Journal of Family Psychology*, 25(6), 973.
- Lambert, N. M., & Dollahite, D. C. (2006). How Religiosity Helps Couples Prevent, Resolve, and Overcome Marital Conflict. *Family Relations*, 55(4), 439-449.
- Lambert, N.M., & Dollahite, D.C. (2008). The Threefold Cord: Marital Commitment in Religious Couples. *Journal of Family Issues*, 29(5), 592-614.
- Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity1. *Personnel psychology*, 28(4), 563-575.
- Levinger, G. (1976). A social psychological perspective on marital dissolution. *Journal of Social Issues*, 32(1), 21-47.

- Lopez, J. L., Riggs, S. A., Pollard, S. E., & Hook, J. N. (2011). Religious commitment, adult attachment, and marital adjustment in newly married couples. *Journal of Family Psychology, 25*(2), 301.
- Mahoney, A. (2005). Religion and Conflict in Marital and Parent-Child Relationships. *Journal of Social Issues, 61*(4), 689-706.
- Mahoney, A. (2010). Religion in families, 1999–2009: A relational spirituality framework. *Journal of Marriage and Family, 72*(4), 805-827.
- Mahoney, A., Pargament, K. I., Murray-Swank, A., & Murray-Swank, N. (2003). Religion and the sanctification of family relationships. *Review of Religious Research, 44*(3), 220-236.
- Mahoney, A., Pargament, K. I., Tarakeshwar, N., & Swank, A. B. (2008). Religion in the home in the 1980s and 1990s: a meta-analytic review and conceptual analysis of links between religion, marriage, and parenting. *Psychology of Religion and Spirituality, S*(1), 63-101.
- Mahoney, A., Pargament, K. I., Tarakeshwar, N., & Swank, A. B. (2001). Religion in the home in the 1980s and 90s: Meta-analyses and conceptual analyses of links between religion, marriage, and parenting. *Journal of Family Psychology, 15*, 559–596.
- McDonald, G. W. (1981). Structural exchange and marital interaction. *Journal of Marriage and Family, 44*(4), 825-839.
- Pargament, K. I. (1997). *The psychology of religion and coping: Theory, research, practice*. New York: Guilford Press.
- Pargament, K. I., & Mahoney, A. (2002). Spirituality: Discovering and conserving the sacred. In C. R. Snyder (Ed.), *Handbook of positive psychology* (pp. 646–675). Washington, DC: American Psychological Association.
- Pargament, K. I., Koenig, H. G., & Perez, L. M. (2000). The many methods of religious coping: Development and initial validation of the RCOPE. *Journal of clinical psychology, 56*(4), 519-543.
- Pargament, K. I., Murray, N., & Magyar, G. (2005). The sacred and the search for significance: Religion as a unique process. *Journal of Social Issues, 61*(4), 665–687.
- Pargament, K. I., Smith, B. W., Koenig, H. G., & Perez, L. (1998). Patterns of positive and negative religious coping with major life stressors. *Journal for the scientific study of religion, 710-724*.
- Pargament, K., Feuille, M., & Burdzy, D. (2011). The Brief RCOPE: Current psychometric status of a short measure of religious coping. *Religions, 2*(1), 51-76.
- Pollard, S. E., Riggs, S. A., & Hook, J. N. (2014). Mutual influences in adult romantic attachment, religious coping, and marital adjustment. *Journal of Family Psychology, 28*(5), 615.
- Roccas, S. (2005). Religion and value systems. *Journal of Social Issues, 61*(4), 747-759.

- Sanchez, L., Nock, S. L., Wright, J. D., & Gager, C. T. (2002). Setting the clock forward or back? Covenant marriage and the “divorce revolution”. *Journal of Family Issues*, 23(1), 91-120.
- Smith, J. A., McPherson, M., & Smith-Lovin, L. (2014). Social Distance in the United States Sex, Race, Religion, Age, and Education Homophily among Confidants, 1985 to 2004. *American Sociological Review*, 79(3), 432-456.
- Stanley, S. M., Trathen, D., McCain, S., & Bryan, M. (1998). *A lasting promise: A Christian guide to fighting for your marriage*. San Francisco: Jossey-Bass Publishers.
- Sullivan, K. T. (2001). Understanding the relationship between religiosity and marriage: an investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples. *Journal of Family Psychology*, 15(4), 610.
- Tremblay, J., Sabourin, S., Lessard, J. M., & Normandin, L. (2002). Predictive value of self-differentiation and religious coping strategies in a study of marital satisfaction. *Canadian Journal of Behavioural Science*, 34(1), 19-27.
- Turner, B. S. (2014). Religion and contemporary sociological theories. *Current Sociology*, 62(6), 771-778.
- Whitehead, B. D., & Popenoe, D. (1999). *Changes in teen attitudes toward marriage, cohabitation and children: 1975 – 1995*. New Brunswick, NJ: Author.
- Yaghmaei, F. (2003). Content validity and its estimation. *Journal of Medical Education*, 3(1), 25-27.